

بنیان اقتصاد سیاسی توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین؛ گسترش قلمروهای ملی و منطقه‌ای موثر

افشین متقی دستنایی^{*۱}

ریحانه صالح آبادی^۲

حسین همتی فر^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۴

۱۶۷

چکیده

واقعیت‌های مرتبط با ساخت سیاسی و فضایی قدرت در ایران و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی حاکم بر نظام بین‌الملل سبب همگرایی ایران و چین شده است. با توجه به اهمیت استراتژیک برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی کوشیده است تا مبادی اقتصاد سیاسی این توافق‌نامه را بررسی و عوامل تأثیرگذار بر همگرایی دو کشور و انعقاد آن را شناسایی نماید. نتایج نشان می‌دهد دولت چین با رویکرد نئومرکانتیلیستی، جهت رفع تنگناهای پیشروی اقتصاد صادرات محور خود و امنیت بخشی به منابع انرژی وارداتی به دنبال گسترش نفوذ در مناطق استراتژیک جهان مثل خلیج فارس است. از طرفی ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران، مقابله با نظام سلطه و هژمون آمریکا، خروج از انزوا، مهار فشارهای جبهه غرب، افزایش تاب‌آوری نظام سیاسی در قبال فشارهای احتمالی آتی غرب و افزایش ضریب خطرپذیری در کشور، استفاده از حق و توی چین در شورای امنیت و گسترش قلمروهای ملی و منطقه‌ای مؤثر مثل مناطق آزاد، از عوامل تأثیرگذار بر انعقاد این توافق از جانب ایران بوده است. در این مقاله همچنین تلاش شده است شرایط بحرانی یا مطلوبی که این سند می‌تواند برای ایران به ارمغان آورد را تعیین نماید. در نهایت می‌توان بیان نمود که این سند می‌تواند شرایط مطلوبی را برای ایران در دوره کنونی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، توافق راهبردی، ایران، چین، نئومرکانتیلیسم

۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: a.mottaghi@khu.ac.ir

۲. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

در دهه‌های اخیر گرایش به سمت شرق (سیاست نگاه به شرق) در اولویت رویکرد دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. در چارچوب این سیاست از میان کشورهای آسیایی؛ کشور چین به‌عنوان یک قدرت نو هژمون در نظام بین‌الملل که ماتریس قدرتش همواره در حال اوج گرفتن است و شاخص‌های برتری قدرت خود را در ابعاد مختلف؛ اقتصادی، سیاسی و نظامی ارتقا بخشیده است، مورد توجه دستگاه سیاست خارجی ایران قرار گرفت تا از طریق توسعه همکاری با این کانون قدرت و ثروت بین‌المللی، بخش از اهداف خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین شود و چند سالی است که روابط خود با کشور چین را پررنگ‌تر نموده و هدف‌گذاری برای گسترش بیشتر روابط و امضا یا تمدید سندهای همکاری با این کشور موید چنین موضوعی است. از طرفی سیاست‌های نئومرکانتیلیستی چین باهدف کنترل بازار آزاد انرژی کشورهای دارنده منابع نفتی و اطمینان از دسترسی بلندمدت و باثبات برای مصرف صنایع داخلی طراحی شده‌اند. مجموعه واقعیت‌های مرتبط با ساخت سیاسی و فضایی قدرت در ایران و نیز واقعیت‌های ژئوپلیتیکی حاکم بر نظام بین‌الملل، سبب همگرایی فزاینده‌ی دو کشور شده است. گرچه این مناسبات را نمی‌توان از نوع استراتژیک قلمداد کرد، اما بسترها و مبانی سیاسی و اقتصادی، دو کشور ایران و چین را به‌سوی انعقاد قراردادهای بلندمدت با همدیگر سوق داده است.

امروزه دنیای سیاست و اقتصاد که زمانی دو عرصه کاملاً جدا از یکدیگر به نظر می‌آمدند، تأثیر مهمی بر همدیگر دارند. سیاست بسیار بیشتر از آنچه برخی از دانشمندان علوم سیاسی ادعا می‌کردند تحت تأثیر تحولات اقتصادی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر اقتصاد بیش از آنچه اقتصاددانان مدعی‌اند، به تحولات سیاسی و اجتماعی وابسته است. طرح همکاری‌های راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین دارای همین ماهیت است؛ با توجه به اینکه توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین دارای ماهیت سیاسی و اقتصادی است و نظر به اهمیت استراتژیک این توافق‌نامه که از مهم‌ترین قراردادهای سال‌های اخیر کشور محسوب می‌شود و تاکنون آثار علمی گسترده در خصوص آن تولید نشده

است و از جوانب مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است، پژوهش حاضر باهدف تحلیل مبانی و بسترهای شکل‌گیری این توافق، به‌منظور فهم پیوندهای بین اقتصاد و سیاست در این توافق‌نامه اجرا خواهد شد؛ لذا سؤال اصلی پژوهش بدین شرح است؛ مبانی جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی چه تأثیری بر همگرایی ایران و چین و شکل‌گیری توافق راهبردی جامع استراتژیک بین دو کشور داشته است.

۱. پیشینه پژوهش

مطابق بررسی نویسندگان، در خصوص عنوان مورد پژوهش، مقاله‌ای منتشر نشده است، بااین‌حال معدود آثار مرتبط با این توافق بدین شرح است؛ (Shafiei, 2022)، در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین"، از منظر سیاست خارجی چین این توافق را مورد بررسی قرار داده است و یافته‌های تجربی آن حاکی از این است که از سال ۱۹۹۳ تعداد شرکای چین در قالب توافق‌نامه مشارکت روند صعودی داشته است. همچنین یافته‌های نظری این پژوهش بیانگر ثابت نبودن جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها و تغییر آن در شرایط زمانی مختلف تحت تأثیر منافع ملی می‌باشد (Gharayagh Zandi, 2022)، در مقاله‌ای با عنوان "چالش‌های برنامه همکاری‌های جامع ایران و چین: با تأکید بر معمای امنیتی اتحادها"، به این سؤال پاسخ داده است که باتوجه‌به نابرابری قدرت دو کشور، مهم‌ترین چالش‌های احتمالی پیش‌روی ایران در این سند چیست؟ براساس نظریه اتحادها، معمای امنیتی اتحادها مهم‌ترین چالشی که این اتحاد به همراه خواهد داشت این است که در دو وجه خودمختاری/امنیت، و به دام افتادن/ترک اتحاد، چالش‌زا خواهد بود. دیگر مقالات موجود، یا به کمر بند و راه چین (Rezapor & Simbor, 2019)، (Mirtorabi & Turki, 2017)، (Khodaqolipour, 2017)، (Azizi & Haji Yousefi, 2021)، (Mousavi, Ghafari & Shariati 2021) پرداخته و یا پیامدهای سیاسی اقتصادی روابط ایران و چین را بررسی کرده‌اند (Ekhtiari Amiri & Salehi Khanar, 2018).

۲. رهیافت نظری: رویکرد نئومرکانتیلیستی

نئومرکانتیلیسم، نظریه‌ای اقتصادی است که بیشتر منافع کشورها را از منظر اقتصادی مدنظر قرار می‌دهد. در این نظریه قدرت سیاسی برآمده از ثروت اقتصادی تلقی می‌شود



در این نظریه قدرت سیاسی برآمده از ثروت اقتصادی است و برای حداکثرسازی ثروت حکومت باید هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی از طریق سیاست‌های کنترلی پشتیبان را بر عهده گیرد و منابع اقتصادی را در راستای پیشبرد منافع ملی سوق دهد. از این رو وابستگی قدرت به ثروت مداخله دولت در امکانات اقتصادی منحصر به فرد برای افزایش قدرت در نظام بین‌الملل را ضروری می‌سازد (Gerriey & Padoan, 1986: 86). نظریه نئومرکانتیلیست در اصول اساسی خود، بیشترین اشتراک را با نظریه نواقع‌گرایی داراست. در این نظریه، بر بعد اقتصادی قدرت و اقتدار دولت، تأکید می‌شود. در این نگاه، دولت نقشی درجه اول در اقتصاد دارد و به کنترل بازار آزاد و شرکت‌های غیردولتی می‌پردازد و دست‌کم در برخی حوزه‌های اقتصادی شرکت‌های دولتی به شیوه‌ای انحصاری عمل می‌کنند (Rodrik, 2010: 15).

رویکرد نئومرکانتیلیستی به حوزه انرژی و تأمین امنیت آن را می‌توان در چارچوب نگاه ابزاری دولت به انرژی به‌عنوان تضمین‌کننده روند رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفت. با این حساب مداخلات دولت در بازار انرژی و عمدتاً از طریق شرکت‌های دولتی را می‌توان یکی از ویژگی‌های برجسته رویکرد نئومرکانتیلیستی به انرژی در نظر گرفت. (Ballam and West, 2012: 32-33). نگرانی از واردات و تلاش برای تقویت صادرات یکی از ویژگی‌های اولیه رویکرد مرکانتیلیستی به توسعه اقتصادی و کسب هم‌زمان قدرت و ثروت بوده است (Ballam and West, 2012: 28). بسیاری از کشورهای شرق آسیا از جمله چین در همین مسیر گام گذاشته‌اند. بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های سیاست‌های نئومرکانتیلیستی، تلاش دولت‌ها برای مقابله با تهدیدهای رقبا علیه اقتصاد داخلی در فضای وابستگی متقابل اقتصادی در عرصه جهانی است (Mirtorabi & Turki, 2017). از سوی دیگر، کمیابی منابع انرژی و اهمیت و نقش فوق‌العاده این منابع در تعیین منابع قدرت اقتصادی و نظامی قدرت‌های بزرگ، سبب شکل‌گیری نوعی رقابت مرکانتیلیستی و نئومرکانتیلیستی میان قدرت‌های چالشگر جهانی در طول حدود یک قرن گذشته شده است (Mirtorabi, 2012: 98). بنابراین، اهمیت انرژی برای قدرت‌های بزرگ که به‌دنبال تضمین امنیت ملی و افزایش ثروت اقتصادی خود هستند، غیرقابل‌انکار است (Grygiel, 2006: 15). رقابت قدرت‌های بزرگ برای

کنترل بر منابع انرژی در همین راستا قابل تفسیر است. با این حساب می‌توان گفت، در ارتباط با قدرت‌های بزرگ اقتصادی، الزامات مرتبط با حفظ مزیت‌های رقابتی، سبب شده است حتی کشورهایی که در اساس، سیاست توسعه‌ای و تجاری لیبرال را دنبال می‌کنند، در زمینه تأمین انرژی، به سبب حساسیت فوق‌العاده موضوع، مداخلات دولت را در این عرصه بپذیرند و به‌سوی سیاست‌های نئومرکانتیلیستی گرایش پیدا کنند. در این حال طبیعی است قدرت‌هایی همچون چین، که در سیاست توسعه‌ای و تجاری خود عمدتاً در قالب رویکردهای نئومرکانتیلیستی عمل می‌کنند، در حوزه تأمین امنیت انرژی، همین نگاه دولت‌محور نئومرکانتیلیستی را پیگیری نمایند (Mirtorabi & Turki, 2017).

در دوران معاصر، انرژی در قالب یک کالای استراتژیک مطرح است. به‌طور کلی، تلاش برای نگهداری کافی از این کالای استراتژیک امنیت انرژی نامیده می‌شود (Pickford, 2017: 1). امنیت انرژی، به‌عرضه مداوم، مطمئن و باقیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی اشاره دارد (Taheriand & Rostam Aghaei, 2017: 149). امنیت انرژی به مفهوم توانایی یک اقتصاد برای تضمین قدرت تأمین منابع انرژی به‌صورت پایدار و در طول زمان با سطح قیمتی است که تأثیر نامطلوبی بر عملکرد اقتصادی آن اقتصاد نگذارد. همان‌طور که اشاره شد یکی از مهم‌ترین نموده‌های سیاست‌های نئومرکانتیلیستی در عرصه اقتصاد بین‌المللی، در حوزه انرژی پدیدار شده است. در این حوزه، یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی که مدنظر کشورهای واردکننده انرژی قرار گرفت، تنوع‌بخشی به منابع عرضه انرژی بوده است. بنابراین سیاست‌های تنوع‌بخشی به منابع عرضه انرژی را می‌توان جلوه دیگری از نئومرکانتیلیسم در حوزه امنیت انرژی قلمداد کرد (Mirtorabi & Turki, 2017). باید توجه داشت که اساساً یکی از نموده‌های عمده بحران انرژی در دهه ۱۹۷۰، که دغدغه تأمین امنیت انرژی را برای کشورهای واردکننده به‌طور جدی مطرح کرد، چندبرابر شدن بهای نفت در خلال شوک‌های اول و دوم نفتی بود. در قرن جدید نیز افزایش شدید بهای انرژی، بار دیگر سبب توجه بیشتر به مقوله امنیت انرژی شد به‌گونه‌ای که امنیت انرژی را مترادف با امنیت ملی قرار داد (Azzuni & Breyer, 2017: 23).

در سال‌های پس از جنگ سرد که شاهد جنبش هویت و مقاومت در برابر موج نظام‌های سلطه هستیم. در این فرایند کشورهای پیرامون در نظام بین‌الملل تلاش کردند از الگوهای متنوعی برای مقابله با تهدیدهای امنیتی بهره گیرند. این امر در کشورهای مختلف ماهیت متنوعی داشته است بنابراین، هویت‌گرایی و مقاومت در نگرش نئومرکانتیلیسم به منزله ضد امنیت محسوب می‌شود بیان چنین گفتمانی انعکاس شرایط جدید در تولید هنجارهای مقاومت در سیاست بین‌الملل است و قالب گفتمانی جدید معطوف مقابله با موج‌های مقاومت محیط‌های تحت سلطه است. این مسئله نشان می‌دهد که در فضای هویت‌گرایی کشورهای پیرامونی مرزهای ایدئولوژیک توانسته است جلوه‌هایی از کنشگری، انتقاد، و مقابله با اقتصاد سرمایه‌داری را سرلوحه خود قرار دهد. به این ترتیب می‌توان شاخص‌هایی از جمله اسلام سیاسی و هویت مقاومت در کشورهای اسلامی را نماد تحرک و کنش بازیگرانی دانست که تلاش دارند زیرساخت‌های هویتی استعمار را تبیین کنند و مورد انتقاد قرار دهند (Motaghi, Safavi & Mahboob, 2011).

در جمع‌بندی از مباحث نظری که تاکنون مطرح شد می‌توان گفت، که در رویکرد نئومرکانتیلیستی به توسعه اقتصادی و تجارت، مداخلات دولت و دغدغه‌های آن برای کمک به رشد و توسعه اقتصادی و حفظ مزیت‌های تجاری در مقایسه با رقبا، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. این امر در ارتباط با کشوری همچون چین که در اساس سیاست توسعه‌ای نئومرکانتیلیستی را دنبال می‌کند، به معنای تلاش پیگیر دولت برای رفع تنگناهای موجود در زمینه رشد و توسعه اقتصادی و به سخن دقیق‌تر، فراهم‌سازی زمینه پیوند بیشتر اقتصاد این کشور با مناطق پیرامونی و گسترش هرچه بیشتر صادرات محصولات چینی به بازارهای خارجی است و این امر مستلزم این است که دولت چین دغدغه‌های موجود در زمینه امنیت انرژی وارداتی خود را به‌ویژه در زمینه قابلیت دسترسی و خرید منابع انرژی، مرتفع سازد. بر این اساس، توافق‌نامه ایران و چین که قرار است بخشی از امنیت انرژی وارداتی چین را در دوره‌ای که تنگناهایی جدی در این زمینه به وجود آمده است، به‌عنوان پیش‌درآمد استمرار رشد و توسعه اقتصادی این کشور، تأمین نماید، در همین راستا ارزیابی می‌شود و سیاست‌های این کشور باهدف

کنترل بازار آزاد انرژی کشورهای دارنده منابع نفتی و اطمینان از دسترسی بلندمدت و باثبات برای مصرف صنایع داخلی طراحی شده‌اند. در طرف مقابل جمهوری اسلامی ایران به دلیل ایفای نقش اصلی توسط دولت و به دلیل ماهیت سیاسی نظام و داشتن هویت مقاومت به منظور مقابله با تحریم‌های آمریکا و جبهه غرب در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی به مقابله با نظام سلطه برخاسته است و به دنبال مهار این تحریم‌هاست و در تلاش است تا به مقابله با تحریم‌ها علیه اقتصاد خود بپردازد؛ لذا به نظر می‌رسد رهیافت نئومرکانتیلیستی، چارچوب نظری مناسبی برای تبیین مسئله مورد بررسی در این پژوهش باشد.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و هدف از انجام آن بررسی مبنای اقتصاد سیاسی توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین به منظور فهم پیوندهای بین اقتصاد و سیاست و بررسی بسترهای شکل‌گیری این توافق است. داده‌ها و یافته‌های موردنیاز به شیوه کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات، آمارنامه، اسناد، یادداشت‌ها، نشریات و اینترنت) گردآوری شده است. در مرحله بعد وضعیت‌های احتمالی مختلفی برای هرکدام از عوامل کلیدی در نظر گرفته شد و مجموعاً ۴۰ حالت برای ۸ عامل کلیدی در نظر گرفته شد، بر اساس عوامل کلیدی و حالت‌های مختلف آن پرسش‌نامه‌ای به صورت متقاطع طراحی شد و در اختیار جامعه آماری تحقیق که ۱۸ نفر از متخصصان رشته جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ژئوپلیتیک بوده‌اند قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی در چند بخش شامل پوشش محیطی (برای جمع‌آوری شاخص‌های مربوطه) و تکنیک آثار متقابل (استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد برای تدوین سناریو) است. وزن‌دهی به پرسش‌نامه به صورت مقایسه‌ای زوجی و میزان ارتباط بین متغیرها با اعداد بین ۳- تا ۳ بوده است. روایی این پرسش‌نامه توسط جامعه آماری مورد تأیید واقع شد. پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده را در نرم‌افزار سناریو ویزارد و از طریق دستور Ensemble وارد شدند؛ و در نهایت سناریوهای سازگار و ضعیف شناسایی و تحلیل شدند.

جدول ۱- مهمترین بندهای توافق ۲۵ ساله ایران و چین

الف. موضوع نفت و انرژی

عرضه پایدار نفت خام به چین
همکاری در پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت ایران
مشارکت در ساخت و تجهیز مخازن ذخیره‌سازی نفت و فرآورده‌های نفتی در ایران،
چین و سایر نقاط جهان
مشارکت در احداث، توسعه ظرفیت خطوط انتقال انرژی ایران از جمله خطوط لوله
نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی و شبکه برق
افزایش صادرات محصولات پتروشیمی ایران به چین و همکاری در تولید برق و کود
از زباله‌های شهری
تشویق سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و اجرای نیروگاه‌های حرارتی، نیروگاه‌های
برق‌آبی، تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب، سد و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و ساخت
تأسیسات آب‌شیرین‌کن‌های بزرگ
همکاری و مشارکت شرکت‌های سرمایه‌گذار چینی در افزایش سهم انرژی
تجدیدپذیر، نیروگاه‌های سیکل ترکیبی موجود
همکاری در ساخت کارخانه‌ها تولید و تجهیزات و فناوری‌های جدید در حوزه آب و
برق ایران

ب. مالی بانکی و بیمه ای

گسترش همکاری‌های مالی، بانکی و بیمه‌ای در چارچوب اصول بازار و قوانین دو
کشور
تسهیل اجرای توافقات پیشین با مؤسسات تأمین اعتبار چینی و بررسی مداوم
تأمین اعتبار طرح‌های عمرانی، تولیدی و خدماتی
ایجاد یک شرکت تجاری مشترک به منظور تسهیل تجارت کالا
تشویق تأمین مالی طرح‌های زیربنایی و مبادلات تجاری از طریق اعطای خطوط
اعتباری
گشایش شعبات یا نمایندگی بانک‌های ایرانی در مناطق ویژه اقتصادی چین و
تأسیس بانک مشترک ایران و چین در سرزمین‌های اصلی دو کشور
تسهیل سرمایه‌گذاری طرف چینی در پروژه‌های مناطق آزاد و تجاری - صنعتی
ایران
تشویق مؤسسات تأمین اعتبار برای همکاری مالی با ایران
حمایت از همکاری‌های بیمه‌ای و پوشش بیمه‌ای پروژه‌های بزرگ ملی ایران
گفتگو درباره امکان تعمیق همکاری‌های تأمین مالی دو کشور برای حمایت از
تجارت دوجانبه، توافقات سوآپ پولی، امضای موافقت‌نامه تأمین مالی دوجانبه و
ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ایران و چین

ج. حمل‌ونقل و زیرساخت

تشویق سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در ساخت و توسعه فرودگاه‌ها، خرید محصولات هوایی تولید مشترک ایران و چین و توسعه زنجیره تأمین هوایی متشکل از شرکت‌های ایرانی

همکاری در زمینه مشاوره و مدیریت در زمینه مدیریت و راهبری فرودگاه، تبادلات علمی و آموزشی در بخش‌های مدیریت، صنعت هوایی، توسعه سامانه‌ها و تجهیزات ناوبری هوایی و زیرساخت فناوری اطلاعات

انتقال فناوری و مشارکت در توسعه فناوری‌های موردنیاز در صنعت هوایی تسهیل در اجرا و تکمیل شدن پروژه‌های نیمه‌تمام ریلی و مشارکت در راه‌آهن ملی و منطقه‌ای

جذب سرمایه چینی در برقی کردن خطوط اصلی راه‌آهن ایران و مشارکت در ساخت آزادراه‌ها مثل آزادراه تهران - شمال

سرمایه‌گذاری مشترک در ساخت شهرهای هوشمند و زیست‌بوم در مکران همکاری در ساخت ساختمان‌های سبز و هوشمند تبادل فناوری و همکاری در ایجاد بزرگراه کویری

مشارکت و تسهیل سرمایه‌گذاری چینی در توسعه شبکه لجستیکی بندرها، ساخت راه‌آهن و احداث پایانه‌های لجستیکی در مناطق آزاد و ویژه استفاده از انواع فناوری‌های نوین ساخت‌وساز و انتقال دانش به ایران ایجاد شرکت مشترک حمل‌ونقل دریایی

سرمایه‌گذاری در بخش‌های مسکن ایران

طراحی شهرهای جدید نسل نوین با رویکرد جدید هوشمند سازگار با محیط‌زیست

د. علمی، فرهنگی، گردشگری و محیط‌زیست

اعطای بورس تحصیلی دولتی متقابل و تبادل استاد و دانشجو با حمایت صندوق‌های مالی مشترک در حوزه همکاری‌های علمی و فناوری

مشخص کردن پروژه‌های مشترک در حوزه فناوری‌های نوین

پیشنهاد واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های هوش مصنوعی چین به شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی ایران (ایفیک)

ایجاد «انجمن رؤسای دانشگاه‌های بزرگ»

حمایت از کرسی‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی و چینی در دانشگاه‌های دو کشور

پروژه‌های مشترک در توسعه و تقویت زیرساخت‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی

همکاری در تدوین و تصویب قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حاکمیت دولت‌ها بر فضای مجازی

تقویت همکاری همه‌جانبه بین رسانه‌های برخط

ایجاد تیم‌های واکنش اضطراری شبکه رایانه ملی دو کشور برای امنیت سایبری



د. مناطق آزاد و ویژه

تشویق سرمایه‌گذاران چینی در مناطق آزاد ایران به‌ویژه در مناطق آزاد قشم، اروند و ماکو

شناسایی و دسته‌بندی بندرهای منتخب و مناطق ویژه اقتصادی یا آزاد تجاری دعوت از کارشناسان چینی برای انتقال تجربیات و دانش مناطق آزاد تجاری و اقتصادی ایجاد بانک سرمایه‌گذاری توسعه زیرساخت آسیا و صندوق جاده ابریشم مشارکت در سرمایه‌گذاری بورس بین‌المللی مناطق آزاد ایران

ر. صنعت، معدن و تجارت

همکاری بین شرکت‌های خودروساز به‌منظور انتقال فناوری مشترک و تولید مشترک تعریف پروژه‌های مشترک در کشورهای ثالث گسترش تولید مشترک واگن‌های مترو طراحی شهرک صنعتی تولید خودرو و صنایع مرتبط با آن با استفاده از فناوری انرژی تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری در تولید سلول خورشیدی ایجاد صندوق مشترک اعطای اعتبارات صادراتی

ه. کشاورزی و سلامت

همکاری در زمینه مقابله با ویروس کرونا تقویت همکاری برای انتقال فناوری سلامت، آموزش سلامت همکاری برای تأمین دارویی، تجهیزات و ملزومات پزشکی دو کشور سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی، آبخیزداری، شیلات و آبی‌پروری و انتقال فناوری‌های مرتبط تبادل فناوری تولید آفت‌کش و قارچ‌کش‌های کشاورزی همکاری در زمینه بازرسی، قرنطینه گیاهی و فعالیت‌های مرتبط ترویج همکاری در زمینه برنج هیبریدی، پرورش طیور و کرم ابریشم همکاری در زمینه گیاهان دارویی تحقیقات مشترک در زمینه جنگل‌کاری، توسعه مراتع و بیابان‌زدایی

ی. نظامی - دفاعی و امنیتی

نشست کمیسیون مشترک همکاری‌های صنایع دفاع ملی و همکاری‌های تجاری و صنعتی نظامی گسترش همکاری‌های آموزشی و پژوهشی میان سازمان‌های نظامی، دفاعی و امنیتی و تبادل تجربیات در زمینه نبرد نامتقارن، مقابله با تروریسم، جرائم فراملی، مواد مخدر اجرای رزمایش‌های مشترک دریایی، زمینی و هوایی گسترش همکاری در حوزه فناوری و صنعت دفاعی



ن. همکاری‌های سیاسی دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی
حمایت دو کشور از یکدیگر در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و حمایت چین برای
عضویت ایران در پیمان همکاری‌های شانگهای

(منبع: استخراج شده توسط نگارندگان)

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. یافته‌های کتابخانه‌ای

سند توافق دوجانبه گرچه هنوز به طور رسمی منتشر نشده است، اما بر اساس پیش-نویس منتشره، گزاره برگ وزارت امور خارجه در ارتباط با این سند و متن بیانیه مشارکت جامع راهبردی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، مهم‌ترین بندهایی که در رابطه با این توافق وجود دارد، مشتمل بر موارد زیر است:

چین یک واحد اقتصادی است که در حال حاضر، بزرگترین تولیدکننده جهان قلمداد می‌شود. تولید قدرت این کشور نیز به طریق اولی اقتصاد محور است. پس می‌توان ابر پروژه ابتکار کمربند - راه را با تفکر تداوم رشد و توسعه پایدار و همچنین تولید قدرت چین در ورای مرزها و مناطق مختلف جهان در نظر گرفت (Yazdani & Abdi, 2021). این کشور به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، چند دهه رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی را تجربه کرده و امروز برای استمرار بخشیدن به روند خیزش خود به‌عنوان قدرت جهانی و رفع تنگنایهای پیش روی اقتصاد صادرات محور خود، به شدت به امنیت بخشی به منابع عرضه انرژی وارداتی، وابسته است. در همین راستا، مقام‌های پکن چند سالی است که ابتکاری بین‌المللی را در چارچوب احیای جاده ابریشم به‌منظور ایجاد پیوندهای اقتصادی، تجاری، زیرساختی و انرژی با ده‌ها کشور جهان مطرح و با قدرت دنبال کرده‌اند (Mirtorabi & Turki, 2017). با استفاده از این استراتژی جدید می‌توان گفت دیپلماسی اصلی چین برای امنیت انرژی آن است که تنوع عرضه‌کنندگان نفت و راه‌های انتقال انرژی را تحقق بخشد (Salami Zavareh & Fallahi Barzoki, 2018).

این طرح از دو بخش کمربند جاده ابریشم جدید و راه ابریشم دریایی تشکیل شده است (Yu, 2017: 3). از آنجا که ابتکار یک کمربند یک راه، مشتمل بر دو مسیر خشکی و دریایی است، این امر امکان، تنوع بخشی به مسیرهای انتقال انرژی به چین از هر دو مسیر خشکی و دریایی را فراهم می کند. طرح جاده ابریشم دریایی، بر آن است تا دریای جنوبی چین را به دریای مدیترانه متصل نماید (Vander Putten & Meijnders, 2015: 8). شبکه های حمل و نقل مندرج در ابتکار یک کمربند یک راه، بازارهای مستعد را در کشورهای در حال توسعه در سراسر اوراسیا، از جمله پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی و جنوب شرقی آسیا، به مراکز تولیدی در چین مرتبط خواهند کرد (Passi, 2019: 174). آسیای مرکزی به عنوان یک کانال استراتژیک در ارتباط با اوراسیا، علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیکی برجسته، غنی از منابع نفت و گاز است. ذخایر قابل بازیافت آن از نفت و گاز به ترتیب ۱۶/۶ درصد از کل ذخایر اثبات شده نفت و ۳۵ درصد از ذخایر گاز جهان است (Gueldry & Liang, 2016: 230).

کارشناسان بر این باورند که طرح های احیای جاده ابریشم، به ویژه در حوزه اقیانوس هند، متضمن اهدافی امنیتی برای حفاظت از خطوط نقل و انتقال انرژی به سوی چین است. چین در صورت مناقشه با آمریکا، از تحریم نفتی ایالات متحده هراس دارد و در نتیجه پکن، ایجاد پایگاه های ساحلی برای حفاظت از خطوط عرضه اش را مدنظر قرار داده است (Holmes, 2016). از این پایگاه های ساحلی تحت عنوان «رشته مروارید» یاد می شود. این رشته، یک «خط ساحلی مصنوعی» است که از طریق نقاط پشتیبانی تدارکاتی در امتداد مسیرهای اصلی ناوبری (از میانمار تا تنگه هرمز) تشکیل شده است که به چین، اجازه نظارت بر اقیانوس هند را می دهد (Kleven, 2015). می توان گفت هدف راهبرد یک کمربند، یک راه این است که سکوی پرتاب جدیدی برای تسهیل ظهور چین به عنوان نیروی مولد جدید انتقال تولید و تحرک سرمایه در نظام سرمایه داری جهانی باشد. این تحول به ناچار رقابت جهانی را در ارتباط با انتقال تولید، گسترش سرمایه و سهم بازار، به ویژه در میان کشورهای اصلی سرمایه داری، تشدید می کند (Xing, 2019: 14).

سیاست خارجی چین اهداف چندی را از توسعه طرح جاده ابریشم نوین مدنظر دارد که می‌توان آن‌ها را به دودسته اقتصادی و سیاسی - امنیتی تقسیم‌بندی کرد: ۱- تعمیق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای؛ تقویت اهرم دیپلماتیک چین در منطقه؛ ارائه امتیاز به دولت‌های پیرامون خود و تضعیف نفوذ آمریکا در این کشورها ۲- افزایش تعاملات اقتصادی با کشورهای غربی و جایگزینی مسیر ترانزیت زمینی برای صدور کالا به اروپا (این مسیر زمان را به نصف کاهش می‌دهد) ۳- اتصال جاده‌ای از پاسیفیک تا دریای بالتیک و تشکیل شبکه حمل‌ونقل آسیای شرقی، غرب و جنوب آسیا ۴- افزایش نفوذ در اوراسیا؛ شکل‌دهی بازار اوراسیایی؛ تضمین جریان انرژی از آسیای مرکزی و روسیه و کاهش ریسک انتقال انرژی از مسیر دریایی تحت کنترل آمریکا (تنگه مالاکا) ۵- ارائه الگویی جدید از جهانی‌سازی و تثبیت الگوهای چینی تجارت و سرمایه‌گذاری؛ تقویت یوآن در نقل‌وانتقال مالی بین‌المللی و کاهش اتکا به دلار ۶- پیشبرد پروژه‌های توسعه در استان ناآرام غربی (از جمله سین کیانگ)؛ افزایش توان رقابت داخلی و رشد متوازن منطقه‌ای ۷- استفاده از ظرفیت تولیدات صنعتی برای ایجاد زیرساخت‌ها و تسهیل ورود کالاهای چینی به بازارهای منطقه؛ دخالت در ایجاد زیرساخت‌های فن‌آوری اطلاعات منطقه و ایجاد کانال‌های تازه برای اعمال نفوذ در منطقه (Yu, 2017: 362).

چین با ایران نه‌تنها به دلیل منابع نفت و گاز، بلکه برای تقویت ارتباطات زیرساختی شمال و جنوب و نیز ایجاد پل ارتباطی میان ایران، آذربایجان، ترکمنستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی وارد همکاری شده است که اهداف بسیاری از این طرح‌ها در حوزه انرژی است (Umbach, 2019: 33).

در طرف مقابل کشور ایران علاوه بر برخورداری از منابع غنی انرژی، با قرارگرفتن در یک موقعیت جغرافیایی برجسته، از مزیتی راهبردی در حوزه حمل‌ونقل بین‌المللی یا تسهیل ترانزیت بین‌المللی و تأمین انرژی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان یک مرکز بین‌المللی در این حوزه ایفای نقش نماید. به‌علاوه، ایران در واقع نوعی چهارراه ترانزیتی بین‌المللی به شمار می‌آید که هم می‌تواند پلی ترانزیتی میان شرق و غرب و هم شمال و جنوب باشد. ایران از یک سو کوتاه‌ترین مسیر زمینی از سوی شرق به سمت اروپا و بالعکس بوده و از سوی دیگر، بهترین مسیر دسترسی کشورهای آسیای میانه به آب‌های



آزاد به شمار می‌رود. موقعیت جغرافیایی ایران، اهمیت ویژه‌ای به این کشور به لحاظ جابه‌جایی کالا و عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز در اقتصاد جهانی بخشیده است. ایران با بهره‌گیری از این مزیت می‌تواند منافع بسیاری را به دست آورد و جایگاه اقتصادی خود را در سطوح منطقه‌ای و جهانی ارتقا بخشد.

۵. دلالت های الزامات سند چشم انداز ایران برای همکاری با چین

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سند چشم‌انداز توصیف و رئوس آن، تعیین گشته است. براین اساس، سند در ذات خود موجد ضوابط، الزامات، قواعد و اولویت‌هایی است که سیاست خارجی کشور را تحت الشعاع قرار داده و افق ذیل را ترسیم می‌نماید و الزامات سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز یکی دیگر از دلایل مهمی بود که سیاست نگاه به شرق را در کانون توجه دستگاه دیپلماسی ایران قرار داد:

نیل به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی: در حوزه سیاست خارجی، شرط اصلی رسیدن به اهداف چشم‌انداز، انتخاب فرایند مناسب برای اعتلای موقعیت، به‌ویژه موقعیت اقتصادی با رویکرد جامع، بلندمدت و راهبردی است. تبدیل شدن ایران به قدرت مسلط منطقه‌ای هنگامی امکان‌پذیر است که از یک سو کشور در سطح بین‌المللی عمل کند و از ظرفیت تأثیرگذاری خود بر روابط منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده نماید (Rezaei, 2012: 157) و از سوی دیگر، آن‌گونه که از متن سند برمی‌آید، در سطح منطقه‌ای ایران هدف را معطوف به قطبیت اقتصادی خودساخته و در این مسیر بنا به منطق جغرافیایی و بازیابی جایگاه خود، در کانون اتصالات منطقه‌ای عمل نماید (Javadi Arjmand, 2009: 287).

الهام‌بخش در جهان اسلام: مفهوم الهام‌بخشی به تأثیرگذاری مثبت جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و جهانی بازمی‌گردد. در جهان امروز با توجه به انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات و همچنین تسهیل مشارکت مستقیم مردم در شکل دهی به روندهای داخلی، کشورهایی می‌توانند نقش‌آفرینی مؤثرتری در عرصه بین‌المللی ایفا کنند که از یک سو، از ابزارهای نوین بیشترین بهره‌برداری به عمل آورند و از سوی دیگر، کالاهای بهتری برای عرضه در اختیار داشته باشند (Soleimani Porlak, 2019).

تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل: اهداف سیاست خارجی کشور در سند چشم‌انداز بر لزوم اتخاذ استراتژی تعامل فعال و سازنده با نظام بین‌الملل دلالت دارد. از جمله انگیزه‌های به‌کارگیری این راهبرد الزامات امنیتی و رفع نیازها و فوریت‌های داخلی است.

از میان سه گزاره مندرج در سند که مدلولات سیاست خارجی‌اند، دو گزاره اول و سوم کارکردگرایانه بوده و گزاره دوم از جنس ایدئولوژیک محسوب می‌شود. بنابراین، سیاست خارجی «کارکردگرایانه ایدئولوژی محور» یک سیاست مناسب و متناسب با وضعیت، موقعیت و خصائل کشور می‌باشد. متن سند چشم‌انداز به‌روشنی دارای مدلولات توسعه‌گرایانه در حوزه سیاست خارجی کشور است. مطالعه‌ای دقیق در اهداف سند نشان از تأکید بر قدرت‌سازی ملی در وجوه مختلف اعم از مادی (اقتصادی و علمی) و ایدئولوژیک دارد. همچنین ضرورت‌ها و الزاماتی که نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران برای سیاست خارجی توسعه‌گرا برشمرده‌اند، اساساً بر وجود مختصات ساختاری متناسب در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی دلالت دارد. بنابراین، واضح است که نقاط تلاقی مهمی میان این دو مقوله به چشم می‌خورد. از سویی، باتوجه‌به اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر وجه واقع‌بینی توسعه‌محور، بر رکن آرمان‌گرایی ایدئولوژیک نیز استوار است، ترکیب مناسب و متناسب میان این دو، مستلزم اتخاذ سیاست مبتنی بر «کارکردگرایی - ایدئولوژیک» است. سند چشم‌انداز متضمن دو هدف کارکردی و یک هدف آرمانی است. از بررسی فراز و نشیب سیاست خارجی کشور این‌گونه برمی‌آید که تحقق هدف آرمانی بدون نیل به اهداف کارکردی امکان‌پذیر نمی‌باشد. جوهره سند، بیانگر این حقیقت است که لازمه الهام‌بخشی، اثربخشی و پیشروی، داشتن روابط سازنده با کشورهای جهان است. این امر بیانگر منطق درونی سند چشم‌انداز نیز است (Soleimani Porlak, 2019).

۶. تحریم‌های غرب و رویکرد نگاه به شرق ایران

این سیاست اصطلاحی ژئوپلیتیکی است که در برابر سیاست نگاه به غرب به کار برده می‌شود. این رویکرد هنگامی موردتوجه دستگاه سیاست خارجی ایران قرار گرفت که فشار از سوی کشورهای غربی تشدید شد و نوعی تضاد منافع بین طرفین ایجاد شد؛

بنابراین نگاه به شرق نوعی نگاه جغرافیایی است که به مناطق با کشورهای شرقی، جنوب شرقی و شمال شرقی ایران توجه خاصی دارد و در راستای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران، سعی در ایجاد همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه دارد (Sadeghi & Lotfi, 2015). وجود موانع اساسی بر سر عادی‌سازی مناسبات ایران و آمریکا طی چند دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دلیل مهم دیگر در اتخاذ این رویکرد است.

نارضایتی دو کشور ایران و چین نسبت به یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌المللی، آنان را بسیار به یکدیگر نزدیک می‌نماید. ایران و چین نگرش مشترکی به نظام فعلی جهان دارند؛ هر دو با نظام سلطه مخالفند و از نظام چندقطبی حمایت می‌کنند، چرا که آنها در یک نظام چندقطبی آزادی عمل بیشتری خواهند داشت. همچنین جمهوری اسلامی ایران، همواره در پی آن بوده که از نفوذ چین در شورای امنیت و حق وتو این کشور جهت جلوگیری از تحریم‌های احتمالی آمریکا و غرب علیه منافع ملی ایران ممانعت به عمل آورد.

از سوی دیگر چین با ورود به باشگاه قدرت‌های برتر بین‌المللی و کسب جایگاه ممتاز در نظام بین‌المللی، سیاست گسترش نفوذ به مناطق مهم جهان را در رویکرد سیاست خارجی خود اتخاذ کرده است. به عبارت دیگر چین با ارتقای جایگاه بین‌المللی خود در پی ایجاد هژمونی و گسترش نفوذ در مناطق استراتژیک جهان است تا از این راه ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و نظامی، منافع ملی و بین‌المللی خود را تأمین نماید و حضور کشورهای مختلفی همچون ایران از مهم‌ترین فرصت‌های گسترش نفوذ چین در این منطقه است (Dehghani Firouzabadi & Farazi, 2012). با وجود این فرصت‌ها و چالش‌ها، سیاست خاورمیانه‌ای چین را می‌توان سیاستی منفعت‌محور قلمداد نمود. به عبارتی، منطق سیاست چین پیشبرد منافع خویش در خاورمیانه است که به طور عمده با توسل به ابزارهای دیپلماتیک صورت می‌گیرد (Shariatinia, 2007: 680).

۷. بسترهای ژئوپلیتیکی شکل‌گیری سند

ایران با پیوستن به توافقنامه تراسیکا در سال ۲۰۰۹، توانست به‌عنوان مسیر جاده‌ای و ریلی در ترانزیت شرق و غرب و بالعکس آسیا مطرح شود، اما به علت تحریم‌های

تحمیل شده، نتوانست از مزیت ژئوپلیتیکی خود به‌عنوان عضو کلیدی در این راستا بهره گیرد. در همین حال ترکیه که همواره به‌عنوان پل ارتباطی آسیا و اروپا شناخته شده و بخشی از جاده باستانی ابریشم به‌عنوان سودآورترین وسیله تجاری در گذشته از این کشور می‌گذشته است (Acar al, 2015: 94).

در سال‌های اخیر و با افزایش روزافزون تحریم‌های ایران، موقعیت ژئوپلیتیکی ارزشمندی را برای خود به‌منظور عبور کریدورهای شرق و غرب فراهم ساخته است. در این چارچوب دولت ترکیه افزون بر تلاش برای حضور فعال در طرح‌های موجود منطقه‌ای از جمله توافقنامه «تراسیکا» طی سال‌های گذشته از طرحی به‌عنوان کریدور میانی رونمایی کرده است (Akman, 2019). که می‌کوشد اتصال آسیا و اروپا را با محوریت ترکیه محقق سازد (Mousavi, Ghafari & Shariati, 2021).

مطابق این طرح و با ادعای دولت ترکیه می‌توان با تداوم توسعه و بهبود زیرساخت‌های موجود که از مدت‌ها پیش آغاز شده است، راه‌آهن ترانزیت چین را به شبکه راه‌آهن قزاقستان و سپس از طریق بندر اکتا قزاقستان و ترکمن‌باشی ترکمنستان به دریای خزر و آذربایجان متصل کرد و سپس با عبور از قفقاز جنوبی از طریق راه‌آهن باکو به تفلیس - قارص، این مسیر را که به ادعای دولت ترکیه به‌عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین و خواهد بود، به ترکیه منتهی ساخت (Colako, 2019). طرح راه لاجورد، طرح دورزدن ایران به‌عنوان بهترین و کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیر تجارت از شرق به غرب از سوی کشورهای همسایه شمالی ایران است تا ترکیه بتواند به اهداف تاریخی خود در این منطقه دست یابد.

بررسی منابع متفاوت نشان می‌دهد، در نقشه‌های اولیه منتشر شده، پروژه کمربند و راه از سوی دولت چین، ایران مسیر اصلی پیوند شرق و غرب از طریق قفقاز بوده است. اما این کشور طی سال‌های بعد مسیرهای متفاوتی را به‌عنوان مسیرهای احتمالی و جایگزین از طریق آذربایجان، گرجستان و ترکیه در کنار مسیر ایران مطرح کرده است که این اقدام دولت چین می‌تواند هشدار برای ژئوپلیتیک ایران شمار برود (Mousavi, Ghafari & Shariati, 2021). به نظر می‌رسد موفقیت ترکیه در توسعه این کریدور منجر به کاهش منافع ملی و ژئوپلیتیک ایران باشد؛ همچنین با وجود آنکه مسیر متعارف جاده ابریشم

باستانی و همچنین کریدور زمینی راه ابریشم جدید در سال ۲۰۱۳ با اتصال راه آهن ماورای چین به قزاقستان و ترکمنستان، ایران و سپس ترکیه تعریف شده است، اما ضعف زیرساختی و بازگشت تحریم‌ها علیه ایران در سال ۲۰۱۳ توسط دولت ترامپ، در عمل بهره‌گیری چین از آن را با تردیدهایی مواجه ساخته است (Onyango et al, 2018: 582).

از سوی دیگر، دولت چین نیز با توجه بر موقعیت جغرافیایی ترکیه در پروژه کمر بند و راه، وضعیت بهتر پول این کشور در مقایسه با عراق، سوریه، لبنان، گرجستان و آذربایجان، می‌تواند ارتباط خود با ترکیه را به صورت نامحسوس گسترش داده و در عین حال برخلاف رابطه با ایران، نگرانی چندانی از تأثیر این افزایش همکاری و رنجش خاطر قدرت‌های غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا نداشته باشد (Kadilar & Ergüney, 2017). چین مجبور است با احتیاط زیادی در رابطه با ایران عمل کند و در این شرایط دور از ذهن است که در آینده نزدیک ترانزیت کالاها از چین از طریق ایران به اروپا و ترکیه انجام شود و رشد قابل توجهی پیدا کند (Maleki and Mohammad, 2019). بررسی رویدادها نشان می‌دهد که تلاش‌های چین و ترکیه بر توسعه مسیر کریدور میانی معطوف شده است. سناریو موجود نشان می‌دهد کشور ترکیه که در اکثر مناطق پیرامونی همانند جمهوری آذربایجان، آسیای میانه و قفقاز و همچنین مناطقی که سابقاً بر این بخش از خاک ایران بوده است، نفوذ دارد و با تقویت سرمایه‌گذاری اقتصادی توانسته است اقدام به عملیاتی کردن طرحی کند که در میان مدت و بلندمدت به کاهش قطعی اهمیت ژئوپلیتیک ایران منجر خواهد شد. از سوی دیگر با توجه به نقش تعیین‌کننده ترکیه در پروژه کمر بند و راه وضعیت اقتصادی بهتر این کشور نسبت به ایران و همچنین نداشتن اختلافات اساسی با کشورهای چین آمریکا می‌تواند روابط اقتصادی خود با سایر کشورهای منطقه را گسترش دهد (Mousavi, Ghafari & Shariati, 2021).

ختی‌سازی جایگاه جمهوری ایران در مسیر پیوند زمینی آسیا به اروپا و محروم ماندن از مزایای موقعیت ژئوپلیتیکی خود در صورت تحقق عملیاتی این پروژه، از پیامدهای بسیار مهم گسترش روابط پکن و آنکارا است و تلاش قدرت‌های منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای برای خنثی‌سازی ژئوپلیتیک ایران به‌ویژه طی دهه گذشته همواره مسبوق به سابقه بوده است؛ لذا جمهوری اسلامی ایران به‌منظور خنثی‌سازی این سناریو و جلوگیری از کاهش اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی خود به دنبال گسترش روابط با پکن و قرارگرفتن در مسیر اصلی پروژه کمربند و راه چین به است.

خوش‌بینی بیش از حد نسبت به موقعیت ترانزیتی ایران (با القابی همچون چهارراه یا شاهراه ترانزیتی منطقه و جهان) به‌عنوان تله ترانزیتی حال حاضر کشور تعبیر می‌شود که مهم‌ترین چالش در نظام برنامه‌ریزی برای ترانزیت کشور است، چراکه این امر موجب ساده‌انگاری نسبت به اخذ تصمیمات راهبردی در این حوزه می‌شود درحالی‌که شناسایی اولویت‌های سرمایه‌گذاری در حوزه ترانزیت ایران، اساساً مسئله‌ای چندبعدی (سیاسی، امنیتی، اقتصادی، و حمل‌ونقلی) و دارای عدم قطعیت‌های قابل توجه است که حل آن تنها با استفاده از روش‌های علمی روزآمد امکان‌پذیر است. قرارگرفتن در این تله ترانزیتی موجب عدم احساس نیاز جدی به تهیه برنامه کلان‌نگر و قابل‌اتکا برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ترانزیتی شده است که اتخاذ تصمیمات فاقد پشتوانه کافی مطالعاتی از نمودهای آن است (Markaz pazhooheshhaye majlis, 1401) و این موضوع می‌تواند شکست در رقابت‌های ترانزیتی منطقه‌ای و عدم‌انفع‌های کلان و راهبردی متعاقب آن را نیز متوجه کشور کند؛ لذا لازم است در محافل سیاست‌گذاری کشور عارضه تله ترانزیتی به‌عنوان مهم‌ترین چالش در نظام برنامه‌ریزی برای ترانزیت مدنظر قرار گیرد.

۸. بستر ژئواکونومیک شکل‌گیری سند

مهم‌ترین اصول و راهبرد مطرح در سیاست خارجی چین عبارت‌اند از: ۱. احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها ۲. عدم تجاوز به حقوق سایر کشورها ۳. عدم مداخله در امور سایر کشورها ۴. نیل به اتخاذ سیاست کسب منافع متقابل در برقراری رابطه با سایر کشورها و ۵. برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها (Hassanzadeh, 2008). از سال ۱۳۶۸ به بعد، یعنی بعد از فروپاشی شوروی، سیاست خارجی چین، دچار یک سری تغییرات شد و چند ویژگی جدید در سیاست خارجی این کشور پدید آمد؛ از جمله محوریت یافتن توسعه اقتصادی از طریق سیاست درهای

باز، خویشتن‌داری و مصالحه‌گرایی در برابر همسایگان و متحدان فرامنطقه‌ای آن‌ها، معرفی چین به‌عنوان قدرت بزرگ در عین حال مسئولیت‌پذیر و چندجانبه‌گرایی بدون رویارویی با هژمونی آمریکا (Qanbarlo, 2013: 150).

طی دو دهه اخیر روابط اقتصادی میان آمریکا و چین همواره به‌عنوان یکی از پرتنش‌ترین این مناقشات بین دو کشور مطرح بوده است. رشد اقتصادی مثبت چین و نیز بهره‌مندی حداکثری این کشور از فرصت‌های نظم اقتصادی بین‌المللی موجود موجب شده است که این کشور با اتکا به منابع سرشار، نیروی انسانی و نیز نرخ پایین دستمزدها، هزینه تمام شده تولید کالا را تا حد ممکن کاهش دهد و در نتیجه سهم عمده‌ای از بازارهای جهانی را به خود اختصاص دهد. (Mahmoudi Kia, 2019). بر اساس آنچه شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد چین به‌سرعت در حال تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی برتر در جهان است و این امر به وابستگی هرچه بیشتر این کشور به‌منظور برخورداری از منابع انرژی و نیز بازارهای متنوع و گسترده مصرف کالاهای چینی در جهان منجر می‌شود. از این حیث، منطقه خاورمیانه اهمیت بسیار بالایی برای چین داشته و می‌تواند علاوه بر بازار بزرگ مصرف پایگاهی برای صدور کالاهای چینی به آفریقا و اروپا را نیز ایفا نماید. همچنین، این منطقه می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی پایدار برای چین تلقی شود. این امر اتخاذ یک راهبرد سیاست خارجی بلندمدت در منطقه خاورمیانه را برای چینی‌ها مسلم می‌نماید (Mahmoudi Kia, 2019). چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت خاورمیانه و نیز عمده‌ترین صادرکننده کالا به این منطقه به‌شمار می‌آید. نفت خام یکی از راهبردی‌ترین کالاهای وارداتی چین است و خاورمیانه، آمریکا و روسیه تأمین‌کنندگان آن هستند. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت در جهان قصد دارد تا ظرفیت پالایش و ذخیره‌سازی خود را گسترش دهد تا از میزان آسیب‌پذیری خود بر اثر ناپایداری‌ها در بازار جهانی انرژی بکاهد. هدف ایالات متحده مبنی بر صفر رساندن صادرات نفت ایران، راهبرد واردات محور چین را به مخاطره می‌اندازد و همه نشانه‌ها حاکی از آن است که پکن تحریم‌های ایالات متحده را نادیده خواهد انگاشت و تجارت معمول خود را با ایران ادامه خواهد داد (Mahmoudi Kia, 2019).

به دلیل دسترسی به خلیج فارس و دریای خزر و قرارگرفتن در کریدورهای شمال - جنوب و شرق - غرب و فراهم نمودن امکان انتقال زمینی و دریایی انرژی و کالا، ایران را می‌توان به‌عنوان شاهراه جاده ابریشم جدید معرفی کرد. این کریدور حمل‌ونقل که بخش مهمی از آن از خاک ایران می‌گذرد؛ در حال حاضر یکی از کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیرهای ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا به شمار می‌رود. با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی و ارتباطی ایران در غرب آسیا، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی ایران، شرط لازم اجرایی شدن اتصالات زیربنایی در بخش مهمی از جغرافیای کمر بند ابریشم محسوب می‌شود؛ اتصالاتی که بر مبنای برنامه عملیاتی کمر بند اقتصادی جاده ابریشم به تدریج و گام‌به‌گام باید شبکه‌ای را شکل دهد که آسیا، اروپا و آفریقا را به یکدیگر متصل سازد. در همین راستا برای فراهم کردن کوتاه‌ترین مسیر، چین طرح احداث خط راه‌آهن ۲۰۰۰ مایلی که از اورومچی (مرکز سین کیانگ) به تهران را پیشنهاد داده است که در صورت اجرای این طرح، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران خواهد شد (Erdbrink, 2017).

مقام‌های چینی همچنین، ایران را یک گره کلیدی در راه ابریشم نوین دریایی و زمینی می‌دانند؛ حتی برای کارآفرینانی همانند ژورو لین (Zuoru Lin)، ایران از نظر تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی چین «در قلب جهان» قرار دارد؛ بر این اساس، پکن برای کسب منافع ملی و بین‌المللی خود در طرح جاده ابریشم نوین، به قدرت‌های منطقه‌ای مهم، توجه ویژه دارد و در زمان فعلی برای ایران اهمیت ویژه‌ای قائل است که این ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران است (Lu, 2016).

از سوی دیگر رویکرد نگاه به شرق محصول مقتضیات زمان و فشارهای ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه آمریکا و متحدان این کشور علیه ایران بوده و قرارگرفتن چین در کانون توجه این رویکرد باهدف تشکیل یک ائتلاف راهبردی با ایران جهت پرشدن خلأ ناشی از واگرایی غرب در مناسبات با ایران تعریف می‌شود. ایران به چین به‌عنوان یک متحد بالقوه جهت مقابله با ایالات متحده آمریکا می‌نگرد؛ چرا که یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی ایران مقابله با نظام سلطه و هژمونی ایالات متحده آمریکاست. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران در پی آن است که از رهگذر ایجاد

ائتلاف راهبردی، فشارهای آمریکا و جبهه غرب را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی مهار نماید (Sadeghi & Lotfi, 2015). امروز، همان‌طور که ایالات متحده به دیگر کشورها و بنگاه‌های تجاری برای خروج از بازار ایران و نیز توقف صادرات نفت ایران فشار وارد می‌آورد، تهران امیدوار است که پکن مانع از آسیب‌های بزرگ‌تر اقتصادی شود (Mahmoudi Kia, 2019).

۹. یافته‌های میدانی تحقیق

آینده‌نگاری دربرگیرنده مجموعه اقداماتی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع موجود، الگوهای مورد قبول و عوامل ثابت و متغیر ترسیم آینده به صورت بالقوه می‌پردازد. آینده‌نگاری قادر است تا با تدوین سناریوهایی امروز و واقعیت جهان فردا را به تصویر بکشد و آینده‌هایی که به صورت مطلوب هستند را با برنامه‌ریزی مناسب و صحیح ترسیم نماید (Bell, 2008). آینده‌نگاری در واقع قادر است تا به معرفی و توصیف نیروهایی که می‌توانند بر تصمیمات تأثیرات قابل توجهی داشته باشند پردازد (Glenn, 2009). در واقع این عامل کمک می‌نماید سیاست‌ها و اقدامات مناسب مطابق با آینده مورد نظر از سوی سیاستمداران و برنامه‌ریزان در ابعاد و جنبه‌های مختلف گرفته شود؛ زیرا آینده‌نگاری می‌تواند با فراهم آوردن شواهدی در فرایندهای برنامه‌ریزی استراتژیک مورد توجه قرار گیرد (Roney, 2011). سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است (Mousavi, Ghafari & Shariati, 2021). هدف سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و عریض‌تر کردن طیف بدیل‌هایی است که می‌تواند مورد نظر باشد. برنامه‌ریزی بر پایه این سناریوها، یک ابزار مؤثر برنامه‌ریزی راهبردی برای برنامه‌ریزی بلندمدت در شرایط نامشخص است. این به ما کمک می‌کند تا با راهبرد مطلوب و مؤثر، اقدام به تدوین طرح‌ها برای موقعیت‌های غیرمنتظره و انتخاب مسیر درست و مناسب مربوط به مسائل کنیم. با توجه به اینکه سند توافق ۲۵ ساله می‌تواند بر روابط و قلمروهای ژئوپلیتیکی ایران و چین تأثیرات قابل توجهی داشته باشد به بررسی و تدوین استراتژی‌هایی مرتبط با این موضوع پرداخته شده است

۹-۱. وضعیت‌های احتمالی عوامل کلیدی

در وضعیت‌های مختلف پیش‌روی ۸ عامل کلیدی قابل‌تصور است که این وضعیت‌های احتمالی در تأثیرات اقتصاد سیاسی توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین از اهمیت زیادی برخوردار است. باتوجه‌به مباحث گذشته و بر اساس وضعیت‌های احتمالی آینده پیش‌روی وضعیت ژئوپلیتیکی جهان، مجموعاً ۴۰ وضعیت مختلف برای ۸ عامل کلیدی طراحی شد که این وضعیت‌ها طیفی از شرایط مطلوب تا نامطلوب را شامل می‌شود. جدول ۱ وضعیت‌های احتمالی (عدم قطعیت‌ها) مختلف را در ارتباط با آینده وضعیت اقتصاد سیاسی توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین را نشان می‌دهد. باتوجه‌به این مسئله که در اینجا هدف تهیه سناریوهای ممکن از ۴۰ وضعیت احتمالی مربوط به ۸ عامل کلیدی است. انتظار می‌رود بیش از ۷۰۰ هزار سناریوی تلفیقی محتمل از میان این وضعیت‌های احتمالی استخراج شود که دربرگیرنده تمامی حالات پیش‌روی آینده اقتصاد سیاسی توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین باشد. شکل ۱ تابلوی سناریوهای با سازگاری قوی و به‌نوعی سناریوهای احتمالی را به همراه وضعیت‌های محتمل از نظر بحرانی بودن یا مطلوب بودن نشان می‌دهد. در این تابلوی سناریو، رنگ سبز وضعیت کاملاً مطلوب، سبز کم‌رنگ نشان‌دهنده وضعیت نیمه مطلوب، رنگ زرد بیانگر وضعیت ایستا، رنگ صورتی وضعیت در آستانه بحران و رنگ قرمز نشان‌دهنده وضعیت بحرانی است. تابلوی سناریوهای قوی از ۵۵ وضعیت احتمالی مختلف تشکیل شده است. همان‌گونه که در شکل شماره ۱ هم مشاهده می‌شود، از این ۵۵ وضعیت احتمالی، ۹ وضعیت بحرانی، ۷ وضعیت نیمه بحرانی، ۱ وضعیت ایستا، ۱۲ نیمه مطلوب، ۲۶ حالت نیز وضعیت مطلوب دارند.

جدول ۲ - عوامل اصلی و وضعیت‌های احتمالی پیش‌روی آن در آینده اقتصاد سیاسی توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین

عامل	عوامل کلیدی	حالت	شرح حالت‌های احتمالی
A	ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران	A1	کاهش کامل ارزش ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران
		A2	کاهش نسبی ارزش ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران

A3	تداوم وضعیت موجود	
A4	افزایش نسبی ارزش ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران	
A5	افزایش قابل توجه ارزش ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران	
B		خروج از انزوا
B1	کاهش قابل توجه خروج از انزوا	
B2	کاهش نسبی خروج از انزوا	
B3	تداوم وضعیت موجود	
B4	افزایش نسبی خروج از انزوا	
B5	افزایش قابل توجه خروج از انزوا	
C		ایجاد ائتلاف راهبردی به منظور مهار فشارهای آمریکا و جبهه غرب در حوزه‌های اقتصادی
C1	کاهش قابل توجه ایجاد ائتلاف راهبردی به منظور مهار فشارهای آمریکا و جبهه غرب در حوزه‌های اقتصادی	
C2	کاهش نسبی ایجاد ائتلاف راهبردی به منظور مهار فشارهای آمریکا و جبهه غرب در حوزه‌های اقتصادی	
C3	تداوم وضعیت موجود	
C4	افزایش نسبی ایجاد ائتلاف راهبردی به منظور مهار فشارهای آمریکا و جبهه غرب در حوزه‌های اقتصادی	
C5	افزایش قابل توجه ایجاد ائتلاف راهبردی به منظور مهار فشارهای آمریکا و جبهه غرب در حوزه‌های اقتصادی	
D		تاب‌آوری نظام سیاسی
D1	کاهش قابل توجه تاب‌آوری نظام سیاسی	
D2	کاهش نسبی تاب‌آوری نظام سیاسی	
D3	تداوم وضعیت موجود	
D4	افزایش نسبی تاب‌آوری نظام سیاسی	
D5	افزایش قابل توجه تاب‌آوری نظام سیاسی	
E		مقابله با نظام سلطه و هم‌مون ایالات متحده آمریکا
E1	کاهش حرکت به سمت مقابله با نظام سلطه و هم‌مون ایالات متحده آمریکا	
E2	کاهش نسبی حرکت به سمت مقابله با نظام سلطه و هم‌مون ایالات متحده آمریکا	
E3	عدم تغییر و تداوم وضعیت موجود	
E4	افزایش نسبی حرکت به سمت مقابله با نظام سلطه و هم‌مون ایالات متحده آمریکا	
E5	افزایش قابل توجه حرکت به سمت مقابله با نظام سلطه و هم‌مون ایالات متحده آمریکا	

نتیجه‌گیری

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به‌خصوص در یک دهه گذشته، تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، اقتصاد کشور را باهدف ممانعت از پیشرفت، ورشکستگی و فروپاشی ایران، نشانه گرفته است. تشدید تحریم‌های غرب ایران را ناگزیر ساخته است که در مسیر همکاری و تعامل با کشورهای حرکت کند که در نظم بین‌المللی مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا ناخرسند هستند که گرایش به سمت شرق (سیاست نگاه به شرق) در اولویت رویکرد دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. در چارچوب این سیاست، از میان کشورهای آسیایی، کشور چین به‌عنوان یک قدرت نو هژمون در نظام بین‌الملل که ماتریس قدرتش همواره در حال اوج گرفتن است و شاخص‌های برتری قدرت خود را در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی ارتقا بخشیده است، مورد توجه دستگاه سیاست خارجی ایران قرار گرفت تا از طریق توسعه همکاری با این کانون قدرت و ثروت بین‌المللی، بخش از اهداف ملی کشور در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین شود. در طرف مقابل نیز دولت چین با رویکرد نئومرکانتیلیستی، سیاست گسترش نفوذ به مناطق مهم جهان را در رویکرد سیاست خارجی خود اتخاذ نموده است، به‌عبارت‌دیگر چین با ارتقای جایگاه بین‌المللی خود در پی گسترش نفوذ در مناطق استراتژیک جهان است. تا از این راه به رفع تنگناهای پیش‌روی اقتصاد صادرات محور خود و امنیت بخشی به منابع انرژی وارداتی خود بپردازد. بر اساس یافته‌های پژوهش، عواملی از قبیل الزامات سیاست خارجی چشم‌انداز ۲۰ساله، ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران، مقابله با نظام سلطه و هژمون ایالات متحده آمریکا، خروج از انزوا، ایجاد ائتلاف راهبردی به‌منظور مهار فشارهای آمریکا و جبهه غرب در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، افزایش تاب‌آوری نظام سیاسی در قبال فشارهای احتمالی آتی غرب و افزایش ضریب خطرپذیری در کشور، استفاده از الگو و کمک چین برای ورود به تعاملات بین‌المللی برای توانمند شدن و امکان افزایش چالش‌انگیزی در قبال آمریکا و قدرت‌های وابسته به این کشور، استفاده از حق وتوی چین در شورای امنیت ملی سازمان ملل متحد، مقابله با تلاش‌های ترکیه جهت خنثی نمودن موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و گسترش قلمروهای ملی و منطقه‌ای مؤثر از قبیل

۱۹۳

سیاست جهانی

مناطق آزاد، از عوامل سیاسی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تأثیرگذار بر انعقاد این توافق از جانب ایران بوده است و مواردی از قبیل؛ نیاز به منابع تأمین انرژی، موقعیت جغرافیایی ایران و استفاده از آن جهت اتصال سهل تر و کم هزینه تر به اروپا، دسترسی به هارتلند انرژی جهان، دسترسی به بازارهای تجاری و تسلیحاتی، موازنه قوا در مقابله با غرب، ارتقای موقعیت خود در منطقه و جهان، تعمیق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، تأمین اهداف امنیتی در اقیانوس هند و تقویت اهرم دیپلماتیک از اهداف عمده چین در اتخاذ روابط جامع استراتژیک با ایران به‌شمار می‌رود که بیانگر سیاست‌های نئومرکانتیلیستی چین در انعقاد این توافق است.

از سویی در فضای سال‌های پس از جنگ سرد، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که مناسبات راهبردی خود را با دولت هژمون در این ساختار جدید یعنی ایالات متحده آمریکا قطع نموده و نیز مورد تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه این کشور و مجموعه کشورهای غربی قرار گرفته است، تلاش می‌نماید، رویکرد نگاه به شرق را در سیاست خارجی دنبال نماید تا بتواند با نزدیک شدن به دیگر کانون‌های ثروت و قدرت، از طریق اتخاذ رویکرد جدید در پرتو روابط راهبردی سیاسی و اقتصادی، بخشی از اهداف منطقه‌ای و جهانی خود را محقق سازد. نظر به اینکه سیاست‌های چین هم بر اساس رویکرد مرکانتیلیستی طراحی شده است، به نظر می‌رسد لازم است در ارتباط با این توافق موارد ذیل مد نظر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

- استفاده از نقش و تأثیرگذاری سایر بازیگران برای راهبردی‌تر کردن سند موجود؛ استفاده از ظرفیت‌های بازیگرانی همچون پاکستان می‌تواند ائتلاف چندجانبه‌ای را به وجود آورد، به ویژه از آن جهت که چینی‌ها در راهبرد منطقه‌ای خود بر پاکستان هم به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی شراکت راهبردی تأکید دارند؛ بنابراین، راهبرد مدنظر قرار داده شده باید بدین صورت باشد که سایر بازیگران دخیل و دارای منافع را نیز به کار بگیرد تا مسیر هموارتری برای توافق فراهم شود.

- چین با انعقاد روابط استراتژیک با کشورهای مخالف نظام سلطه، در پی مقابله با آمریکا و افزایش کارت‌های بازیگری خود برای سلطه بر جهان اقتصادی و ژئوپلیتیکی

است. در مسئله‌ی سند راهبردی ایران و چین هم نکته‌ی مهم از منظر ژئوپلیتیک همین است؛ یعنی اینکه ایران به‌عنوان کارت بازی در رقابت‌های چین با قدرت‌های دیگر، به‌کار نرود.

- توافق جامع همکاری ایران و چین بیانگر راهبرد نگاه به شرق است، راهبردی که کاملاً بر اساس واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و برگرفته از یک رویکرد حفظ توازن است؛ توازنی که بر اساس آن نه نگاه صرف به غرب وجود دارد و نه نگاه صرف به شرق. بر اساس این راهبرد، ایران باید به سمت‌وسوی توافقات هم‌زمان گسترده‌تر با کشورهای شرقی و غربی برای کاهش تأثیرگذاری تحریم‌ها و افزایش چانه‌زنی خود در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی حرکت کند. بر همین مبنا، سند مذکور باید یک نمونه کامل از ایجاد توازن بین‌المللی تلقی گردد.

منابع

- Acar, A. Z.; Bentlyn, Z.; Kocaoglu (2015). Turkey as a Regional Logistic Hub in Promotion of Reviving Ancient Silk Route between Europe and Asia. *Journal of Management Marketing and Logistics*, 2 (2), 94-94. <https://doi.org/10.17261/pressacademia.2015211609>.
- Akman, S. (2019). Turkey's Middle Corridor and Belt and Road Initiative: Coherent or Conflicting? Italian Institute for International Political Studies. Retrieved from <https://www.ispionline.it/en/publication/turkeys-middle-corridor-and-belt-and-road-initiative-coherent-or-conflicting-24526>.
- Azizi, Reza and Haji Yousefi, Amir Mohammad (2015), China's Belt and Road initiative in West Asia from the perspective of international political economy theories, *Quarterly Journal of International Political Economy Studies*, third volume, second issue, pp. ۳۵۵-۳۳۱. [In Persian]
- Azzuni, Abdelrahman., & Breyer, Christian. (2018). Definitions and dimensions of energy security: a literature review. Article in *Wiley Interdisciplinary Reviews: Energy and Environment*.7(Part 1):e268 Retrieved on (January 2018), available at: https://www.researchgate.net/publication/320017001_Definitions_and_dimensions_of_energy_security_a_literature_review
- Colako,lu, S. (2019). China's Belt and Road Initiative and Turkey's Middle Corridor: A Question of Compatibility. Middle East Inistitue. Retrieved from https://www.mei.edu/publications/chinas-belt-and-road-initiative-and-turkeys-middle-corridor-question-compatibility#_ftnref7.

- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal, & Farazi, Mehdi. (2012). Obstacles and opportunities to expand China's role in the Middle East. *Journal of political science*, 6th period (number 4), -. 107-143. [In Persian]
- Erdbrink, Thomas. (2017). For China's Global Ambitions, 'Iran Is at the Center of Everything. *New York Times*, 25 July.
- Gharayagh Zandi, Daoud. (2022). Challenges of Iran-China Comprehensive Cooperation Program: Emphasizing on the Security Enigma of Alliances. *Politics Quarterly*, ۵۲(۱), .۱۳۳-۱۵۲. [In Persian]
- Gueldry, M., and Liang, W. (2016). China's Global Energy Diplomacy: Behavior Normalization Through Economic Interdependence or Resource Neo-mercantilism and Power Politics? *Journal of Chinese Political Science/ Association of Chinese Political Studies*
- Gerriey, Paolo., & Padoan, Carlo. (1986). Neomercantilism and International Economic Stability. *International Organization*, 40, No.1.
- Grygiel, Jakub, J. (2006). *Great Powers and Geopolitical Change*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Holmes, James. (2016). China's String of Pearls: Naval Rivalry or Entente in the Indian ocean? *Pakistan Defence*, March 1. available at: <http://defence.pk/threads/china%E2%80%99s-%E2%80%98string-of-pearls%E2%80%99-navalrivalry-or-entente-in-the-indian-ocean.424704/>.
- Hassanzadeh, Mohammad (2008), *China's role in Iran's economic security*, Tehran: Publications of the Economy Tact Institute. [In Persian]
- Kadilar, R.; Erg-ney, E. (2017). One Belt One Road: Perks and challenges for Turkey. *Hurriyetdailynews*. Retrieved from <http://www.hurriyetdailynews.com/opinion/riza-kadilar-erkinerguney/one-belt-one-road-perks-and-challen-es-for-turkey-120536>.
- Kleven, Anthony. (2015). Is China Maritime Silk Road a Military Strategy *TheDiplomat*, December 8. available at: <http://thediplomat.com/2015/12/ischinas-maritime-silk-road-a-military-strategy/>
- Khodaqolipour, Alireza (2017), The Belt and Road initiative of China and its impact on the national interests of the Islamic Republic of Iran, *Foreign Policy Quarterly*. 31. (1). 71-49.. [In Persian]
- Lim Y. (2015). "How (dis) satis Fied is china? A power transition theory perspective", *Jurnal of contem poranary china*, 24, 92, pp . 280-297
- Lu, Jin. (2016). Economic Cooperation between China and Iran from the Perspective of the Belt and Road. *Alabo Shijie Yanjiu* [Arab World Studies]
- Mahmoudi Kia, Mohammad (2019), China's Middle Eastern foreign policy in the light of the new world order, *Foreign Policy Quarterly*, Year 33, Number 3 Autumn. [In Persian]
- Maleki, S.; Mohammad, Z. (2019). Iran Rescue Corridor or Doom Corridor. *Sputniknews*. Retrieved from <https://ir.sputniknews.com/opinion/201911055435302>. [In Persian]

- Mirtorabi, Said and Turki, Hadi. (2019). Initiative to revive China's Silk Road in the effort to ensure energy security and export development. International political economy studies.(2). [In Persian]
- Mirtorabi, Saeed.(2012). Islamic awakening and the political economy of oil in the Middle East. Tehran: Imam Sadegh University Press. [In Persian]
- Oatley, Thomas. (2010). International Political Economy: Interests and Institutions in The Global Economy. Newyork: Longman, 4Th Edition, Official Website Of The French Presidency Of The G20 And G8: <http://www.G20-G8.com/G8-G20/English/Priorities-For-France/The-Priorities-Of-The-Frenchpresidency/Commodity-Volatility353Hml>. Accessed on: 2011/8/19.
- Passi, Rittika. (2019). Unpacking Economic Motivations and Noneconomic Consequences of Connectivity
- Pikford, Andrew. (2017). China's grand strategy and EnergyMarkets, Infrastructure and Global Ambitions. Centre's Third Energy Security Roundtable: Australia.
- Rezaei, Mohsen (2012), Regional Iran, Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces. [In Persian]
- Rodrik, Dani. (2010). Mercantilism Reconsidered. Project Syndicate. <http://www.project-syndicate.org/Commentary/Mercantilism/Reconsidered>.
- Sadeghi, Seyed Shamsuddin and Lotfi, Kamran (2015), Analysis of the nature of cooperation in the relations between the Islamic Republic of Iran and China, Foreign Relations Quarterly, ۷th year, ۲nd issue, summer .۷۰-۲۷ .[In Persian]
- Salami Zavareh, M., & Fallahi Barzoki, M. (2018). China's Energy Security: IR Iran and Saudi Arabia's Role in China's Energy Diplomacy. Iranian Economic Review, 22(3), 707-717.
- Shariatinia, Mohsen (2007), China's Middle East policy, Foreign Policy Quarterly, year 21, number 3.[In Persian]
- Shafiei, Nozar. (2022). Analysis of the 25-year agreement between Iran and China in the light of China's foreign policy developments. International Political Economy Studies, 5(1), 175-200. .[In Persian]
- Umbach, Frank. (2019). China's belt and road initiattve and its energy-security dimensions. The rsis working paper series.
- Vander, Putten., Frans, Paul., &Minke, Meijnders. (2015). China, Europe and the Maritime Silk Road. Clingendael ReportNetherlands Institute of International Relations, available at <http://thediplomat.com>.
- Xing, Li. (2019). China's Pursuit of the One Belt One Road" Initiative: A New World Order with Chinese.
- Yu, Hong (2017). motivation behind Chinas one belt, one road Initiatives and establishment of the Asian inFrastructure Investment Bank. journal off Contemporary China, 26: 353-368.